

نگاهی به پیام امام خمینی(ره) به گورباچف؛ واکنش‌ها و تحلیل‌ها

به بهانه بیست و هشتمین سالگرد پیام پیامبرگونه امام خمینی(ره) به گورباچف...



به بهانه بیست و هشتمین سالگرد پیام پیامبرگونه امام خمینی(ره) به گورباچف
نگاهی به پیام امام خمینی(ره) به گورباچف؛ واکنش‌ها و تحلیل‌ها
قسمت دوم:

در قسمت اول این مقاله، - در شماره دیروز اعتدال - واکنش گورباچوف به نامه امام خمینی(ره) و در ادامه بخشی از پاسخ آیت الله جوادی آملی، مسئول هیئت اعزامی به او را خواندیم.

* اکنون، ادامه را پیگیری می‌کنیم:

مسئول هیئت اعزامی در پاسخ نهائی چنین گفت: از اینکه در کمال حوصله قرائت نامه را استماع کردید، تشکر می‌کنیم و اینکه آمادگی خود را جهت فرستادن جواب اعلام داشتید، تقدیر می‌شود و از اینکه مضمون پیام را به اطلاع علمای کشورتان می‌رسانید، شایان تشکر است. و از اینکه قانون آزادی دین را در دست تصویب دارید، به امید تسریع آن، تقدیر می‌شود، چنان که زندگی مسالمت آمیز با داشتن مکتب‌های گوناگون در صورت رعایت اصول انسانی میسر می‌باشد، اما «دخالت در شئون داخلی کشور دیگر» را باید توضیح داد. شما از عمق خاک وسیع روسیه تا اوج فضای آسمان آن آزادانه فعالیت دارید و هیچ کس حق دخالت در امور داخلی کشور اجنبی را ندارد. لیکن محتوای این پیام، همانند پیامهای رهبران الهی دیگر، نه کاری به زیر زمین و نه برخوردی با روی زمین و نه ارتباطی با آسمان روسیه دارد، بلکه فقط با جان شما مرتبط می‌باشد. جناب آقای گورباچف، آیا شما همانند درخت هستید که مرگ شما عبارت از پژمرده شدن و فرسوده گشتن تن باشد و بعد از مرگ هیچ خبری از زندگی و آثار نخواهد بود، یا جان شما همانند مرغی است که در قفس طبیعت تن محبوس است و مرگ شما به منزله گشوده شدن در این قفس و پرواز طائر روح به جهان جاوید می‌باشد؟ البته دومی است، نه اولی و مضمون نامه امام دعوت به توحید و پرهیز از الحاد است که راجع به جان شماست، نه درباره کشور شما. البته وقتی روح آدمی موحد شد، راه صحیح کشور داری را می‌شناسد و آن را به خوبی اداره می‌نماید.» (بنگرید به: جوادی آملی؛ 1378).

مرحوم مرضیه حدیدچی معروف به طاهره دباغ یکی از همراهان این سفر در مصاحبه ای به واکنش‌های گورباچف اشاره کرده و گفته است: «پس از قرائت نامه احساس کردم افتخار بزرگی نصیب بنده شده است؛ آقای گورباچف به صندلی تکیه کرده بود و بعضی جاهای نامه با تعجب گوش می‌کرد. برخی جاها او (گورباچف) به شدت برافروخته می‌شد. یکی دوتا سؤال نوشته بود که پس از اتمام نامه از آقای جوادی آملی سؤال کرد: امام(ره) ما را دعوت به اسلام کرده، آیا ما هم می‌توانیم امام(ره) را به کمونیسم دعوت کنیم؟ که آیت‌الله جوادی آملی خیلی سنگین و بدون مکث جوابشان را دادند و ایشان قدری در فکر فرورفتند. آیت‌الله جوادی آملی فرمودند شما فرض را اینجور نگذارید که امام(ره) شخص شما را مورد خطاب قرار داده، حضرت امام(ره) مسئله‌اش مسئله امت‌ها و ملت‌هاست که سال‌هاست تحت سیطره کمونیسم هستند و جرأت ندارند صدایشان را بلند کنند و حالا که شما گامی را برداشته‌اید، دارند نصیحت می‌کنند که شما گام‌تان را تا انتها برسانید. آقای گورباچف گفتند که امام در جایی در مورد افرادی که تحت ظلم هستند، صحبت کرده‌اند؛ آیا این دخالت در مسائل حکومت‌ها نیست؟ که آقای جوادی آملی هم پاسخ دادند از اینجا که نشسته‌ایم تا هفت طبقه زیر زمین متعلق به شوروی است، هفت طبقه آسمان هم متعلق به شوروی است. مسئله دخالت در آب و خاک نیست. انسان‌ها مال کسی نیستند که کسی دخالت کند، انسان‌ها ورای این حرف‌ها هستند و امام در رابطه با انسان و انسانیت سخن می‌گویند. حضرت امام دانشمندان و فلاسفه شما را دعوت فرمودند که به قم بیایند و بنشینند و مباحثه کنند و انسان و قدر و مقدار انسان‌ها را بشناسند و هم اینکه حق و حقوق‌شان را از آنها گرفته‌اند، به آنها باز پس بدهند. گورباچف به این موضوع علاوه بر آنکه نتوانست جواب بدهد، چهره‌اش هم سرخ شد و دیگر سؤال بعدی‌اش را نپرسید.»

(http://alef.ir/vdccc0qs12bqmo8).

محمد جواد لاریجانی از دیگر اعضای هیات نیز معتقد است که «امام هدفشان این نبود که تحول عمده ای به وجود آید. ایشان

فرمودند من می‌خواستم مطلبی را به گوش مسئولین شما برسانم و تلنگری به شما بزنم که این تلنگر زده شد. تأثیر آن پیام، دفعی و لحظه ای نبود. امام می‌خواست این تلنگر را بزند و همین کار را هم کرد. پیام مثل کاشتن یک نهال است. شما از این نهال باید حفاظت کنید. به نظرم تکان دهنده ترین پیامی که امپراتوری شوروی در طول حیاتش دیده، همین پیام حضرت امام است. حضرت امام در دو مقطع، امپراتوری شوروی را تکان دادند که یکی همین نامه بود و دیگری در اوایل انقلاب بود که شوروی به افغانستان حمله کرد. امام سفیر شوروی را خواست و به او گفت شما در افغانستان شکست می‌خورید و با خفت از آنجا بیرون می‌روید. این سفیر بعداً که برگشت، کتابی نوشت. در آن کتاب نوشت ما به شدت از این صحبت امام خشمگین شده بودیم، چون با 150 هزار نفر از ارتش سرخ، سرتاسر افغانستان را گرفته بودند و شکست برایشان معنا نداشت. در آن کتاب نوشته است که یک روحانی در یک اتاق ساده، ما را که یک قدرت عظیم جهانی بودیم، مخاطب قرار داد و آن چنان با ما تحقیرآمیز صحبت کرد که در تاریخ هفتادساله ی بلشویسم، هیچ کس با ما این گونه صحبت نکرده بود.» (<http://www3.irna.ir/81493483>)

لاریجانی معتقد است که «ترکیب و نفس این پیام دارای نکات بسیار جالب و نو است. امام واقعا یک فرد نوآور به معنای حقیقی کلمه بود. یکی از نکات مهم در این پیام این است که امام در بیش از سیزده موضع به نحو مستقیم یا غیرمستقیم خطر تسلط غرب را گوشزد می‌کنند. و مدام به گورباچف هشدار می‌دهند که این مسئله امری بسیار مهم است که مبدا در دام اغوای غرب و زمینه‌های آن گرفتار شود.» (<http://library.tebyan.net/71833/2>)

این نکته درستی است که تأثیر پیام امام فوری نبود و هنوز هم این موضوع در روسیه به طور جدی مورد بحث و تحلیل واقع نشده است و همچنان که در فقرات بعدی این نوشته خواهیم آورد تأثیرات این نامه به سران اتحاد شوروی امری فوری و فزاینده از آنچه در گزارش‌های مبلغان پیام آمد قابل مشاهده نبود. اما ناصر نوبری حیرانی سفیر وقت ایران در مسکو در مصاحبه ای از زاویه ای متفاوت نگاه می‌کند و اظهار می‌دارد که این اقدام نشان می‌داد که امام بر اوضاع مسلط بودند و در شرائطی که روابط با غرب تخریب شده بود و تا سالیان سال قابل ترمیم نبود و کسی جرأت نداشت خلاف فتوای امام نظر بدهد، ایشان به شرق پیام دادند و در حالی که مرزهای ایدئولوژیک دو کشور را تعیین کردند، به مرزهای سیاسی نگاهی دیگر داشتند. با این حرکت، ایران، انقلاب اسلامی و رهبر آن در سطح جهان ارتقاء پیدا کردند. بدین ترتیب در شرائطی که در یک برهه‌ی زمانی تضاد با غرب مطرح بود، دعوت روس‌ها به اسلام مطرح شد. بنابر این ایرانی که بعد جنگ و آتش‌بس از نظر جهان غرب و شرق ضعیف شده بود و رو به افول بود دوباره احیا شد.

(<http://www.borhan.ir/4651>)

سه. واکنش‌ها در شوروی و پاسخ گورباچف

طبیعتاً به خاطر فضای حاکم بر عرصه فرهنگ و رسانه‌ها در اتحاد شوروی محتوای اصلی پیام در عرصه رسانه ای آن زمان کاملاً سانسور شد تا از هر گونه احتمال ایجاد حساسیت جلوگیری شود. البته سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در این رابطه می‌گوید که بسته و گریخته پیام را از طریق سفارت پخش و به گوش مردم روسیه رسیده بود و سفارت به هر ترتیبی این پیام را پخش کرده بود، چون پیام در سطح رهبران دو کشور منتشر شده بود و دلیلی برای سانسور آن وجود نداشت. بویژه اینکه روز 20 بهمن هم در تلویزیون مسکو در حدود

4 تا 5 دقیقه عصاره‌ی پیام را به گوش مردم روسیه رساندند. اما بر خلاف داخل اتحاد شوروی پیام امام در سطح رسانه‌های غربی بازتاب زیادی پیدا کرد. از نظر نوبری چون قبل از اینکه رسانه‌های ایران خبری در این زمینه منتشر کنند، روس‌ها یک خبر کلی منتشر کردند مبنی بر اینکه پیامی از سوی امام خمینی(ره) به گورباچف داده شده است. آنها در خبر خود مضمون پیام امام را حسن هم‌جواری اعلام و تأکید کردند که رهبر شوروی هم از این پیام استقبال کرده است. در واقع بیشتر روی همان جمله آخر پیام مانور دادند و از برقراری دیالوگ بین رهبران دو کشور استقبال کردند. این موضوع در تمام دنیا، به ویژه در کشورهای غربی، خیلی تأثیرگذار بود، چون حساسیتی که بین روابط تهران و واشنگتن وجود دارد، آن زمان در مورد روابط ایران و شوروی هم وجود داشت. به همین دلیل وقتی خبر روس‌ها درباره‌ی پیام امام منتشر شد، این پیام مثل بمب ترکید و در دنیا پخش شد. همین که امام خمینی(ره) به گورباچف پیام داده برایشان سنگین و دلهره‌آور بود. این سؤال در ذهنشان ایجاد شده بود که چرا امام به گورباچف پیام داده است و مبدا میان دو کشور عادی‌سازی روابط اتفاق بیفتد.

وقتی بعد از 24 ساعت محتوای پیام توسط رسانه‌های ما پخش شد، غرب کمی نفس راحت کشید، چون متوجه شد که محتوای پیام ایدئولوژیک است. ولی اتفاقاً ما با تکیه بر همان جمله‌ی آخر روابطمان را تقویت کردیم.

(<http://www.borhan.ir/4651>)

ولادیمیر ایوانف استاد دانشگاه دولتی مسکو در این رابطه نکات جالبی را یاد آوری کرده است. ایشان می‌گویند: بعد از اینکه آقای آملی این پیام را به رئیس‌جمهور شوروی ابلاغ کردند، بعد از چند روز از طرف وزارت خارجه این پیام به دست ما رسید. این طور احساس می‌شود که حضرت امام مردم شوروی را در نظر داشتند و البته راه دیگری جز ارسال پیام به رئیس‌جمهور وقت وجود نداشت تا اظهاراتشان را با مردم شوروی آن وقت در میان بگذارند.

امام احساس کردند شوروی در آستانه فروپاشی است. ایشان در پیام خود به گورباچف گفتند که شوروی یک نعمت الهی است که شما نتوانستید خوب نگهداری کنید. و واقعاً آن طور شد که ایشان فرمودند و دو سال بعد در مدت کوتاهی چنان کشور بزرگی که ابرقدرت هم بود از هم فرو پاشید و تمام زندگی ما وارد مرحله جدیدی شد و ما با این حقیقت روبرو شدیم که باید

زندگی‌مان را از نو بسازیم و عادت کهنه را کنار بگذاریم. این نوع احساسات تا حدودی بیان می‌کند که چرا در تاریخ کشورمان و در تاریخ روابط شوروی با ایران یک چنین واقعه‌ای به وقوع پیوست. پیش بینی امام نسبت به این مسائل و اخطار امام نسبت به آن درست بود. مردم در سال‌های اخیر پی برده‌اند که این راه درستی نیست که فرهنگ خودشان را فراموش کنند و اقداماتی هم از طرف خود مردم به عمل آمده. رجال فرهنگی، نویسندگان و رسانه‌ها اخطار کردند و سعی عمومی بر این است تا با غریزدگی و تأثیر فرهنگ بیگانه مبارزه شود. ایشان نکته‌ای را مطرح می‌کند که جای بحث دارد و می‌گویند که یکی از مشکلاتی که هر کسی پیام امام را به دست می‌گیرد با آن مواجه می‌شود این است که پر از فلسفه است و وقتی ترجمه پیام را به دست آقای گورباچف داده بودند این ترجمه را با عجله تهیه کرده بودند و شاید بعضی از اصطلاحات را خوب ترجمه نکرده بودند. این یک طرف قضیه، یک طرف دیگر هم اینکه برای فهمیدن چیزی که شما می‌فرمائید مقدماتی لازم است که نه تنها عموم مردم بلکه روشنفکران هم که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های شوروی هستند در آن زمان آن را نداشتند. الان هم می‌شود گفت فقط یک قسمت از قضیه را می‌توانند درک کنند. گورباچف ایران شناس نبود و فکر نمی‌کنم غیر از مطالعات سیاسی و اطلاعات عمومی چیزی از فلسفه و روح مردم ایران می‌دانست. طبیعی است که پیام را درست درک نکرده باشد و حاضر نشده که تیزهوشان شوروی را به قم بفرستد.

(<http://www.jamiran.ir/13374>)

اسوتلانا راوندی عضو هیئت علمی بخش ایران شناسی در مؤسسه شرق‌شناسی مسکو است، وی می‌گوید که در آن زمان پیام را نشنیده است و در روزنامه‌های آن زمان هم اصلاً منتشر نشده است. نگارنده از استادان دیگری در روسیه نیز مضمون همین سخن را شنیده است. ایشان اظهار می‌دارند که بعد از فروپاشی شوروی این نامه در کتاب «امام خمینی (ره)؛ راهی به سوی آزادی: سخنرانی‌ها و مواعظ» منتشر شده است. مؤلف این کتاب خانم «لودمیلایوگی نوا آودی یوا» عضو اتحادیه بین‌المللی نویسندگان روسیه است و با کمک رایزنی فرهنگی ایران در روسیه در 375 صفحه در انتشارات پالیا میشین در سال 1999 چاپ شده است. لینا ویکتورنا دونایوا استاد انستیتو شرق‌شناسی مسکو نیز نوشته است که صرفاً خبر ارسال نامه منتشر شده و اطلاع داده اند که مسائل مربوط به روابط دو کشور در این نامه مطرح شده است و حتی در محافل ایران شناسان هم موضوع مطرح نشده است. ایشان می‌نویسد که شاید در پشت درهای بسته این موضوع بررسی شده باشد اما حتی اعضای بالا رتبه حزب کمونیست هم چیزی از محتوای دقیق نامه نشنیده بودند. این موضوع در مورد پاسخ گورباچف هم صدق می‌کند. طرح این نامه از سال‌های 1995 به بعد بوده که از طرف ایرانیان در نشست‌های ایران‌شناسان روس موضوع مورد بحث قرار گرفته است.

در سال 2011 یکی از پژوهشگران و روزنامه نگاران روس مقیم لندن با بررسی برخی اسناد آرشیوی در مسکو اطلاعات جالبی را در مورد نامه امام منتشر کرده است. او می‌نویسد که بر اساس برخی این اسناد رونوشت نامه امام از سوی وادیم مدویدف دبیر کمیته سیاسی حزب در دفتر سیاسی حزب کمونیست (پولیت بورو) در ژانویه 1989 چنین ارائه شده است: «نتایج گفتگوها میان گورباچف و هیئت اعزامی از سوی امام خمینی (ره). در یک پیام شخصی امام از ما خواسته است که کمونیسم را رها کرده و اسلام را برگزینیم.»

او در ادامه می‌نویسد که آناتولی چرنیایف مشاور سیاست خارجی گورباچف نیز چنین بر روی آن نوشته است: درباره مبادله نامه‌ها بین

امام خمینی (ره) و گورباچف؛ گورباچف (قبل از اینکه شروع به سخن کند می‌خندید): او پیشنهاد داده است که ما باید کمونیسم را نابود کنیم!». براساس این رونوشت گورباچف ادامه داده است که: «هر کسی ایران را می‌خواهد. اروپای غربی (به ویژه فرانسه و آلمان) موقعیت خود را در آنجا حفظ کرده است. در ایران بخش زیادی از مردم در جستجوی راهی جدای از بنیادگرایی هستند. آنها منتظر زمان مناسب هستند. آنها دنبال حمایت ما در مقابل فشارهای غرب هستند. پیام (امام) خمینی نشانه بسیار مهمی است. پیام فراتر از یک نشانه نوعی علامت سیاسی است که بیانی همکاری کنیم و دنبال فرصت‌های جدید باشیم. ما نیاز داریم به امام جواب بدهیم اما نباید خود را درگیر بحث در مورد اسلام کنیم. پیام امام یک دست نوشته است. متخصصان ما باید کمک کنند تا جواب را تنظیم کنیم. ما دانشمندان مسلمان قابل‌داری داریم. آنها می‌دانند که در چنین مواردی باید چه کار کنیم. ممکن است ما چند نفر را به ایران بفرستیم؟» او در ادامه می‌نویسد که گورباچف گفته است که با ارزیابی امام از وضعیت کمونیسم موافق نیست و سپس به دستاوردهای کمونیسم و ارزش‌های انسانی سوسیالیسم اشاره کرده و گفته است که این چیزی نیست که از فرهنگ عمومی بشر جدا باشد. ما می‌خواهیم همه دستاوردهای تمدن برای استقرار ارزش‌ها و منافع مشترک بشری در جامعه جهانی مورد استفاده قرار گیرد.

(<http://www.exaroneews.com/articles/4008>)

دو ماه بعد گورباچف پاسخ رسمی خود را توسط «ادوارد شوارد نادره» وزیر خارجه وقت شوروی، در تهران تسلیم امام خمینی (ره) کرد. «ادوارد شوارد نادره» روز هفتم اسفند 1367 پاسخ گورباچف را در حسینیه جماران به اطلاع امام خمینی (ره) رساند. او با این جمله آغاز کرد که «ابتدا می‌خواستم عرض کنم که خود واقعیات تبادل پیام‌ها بین رهبران کشور ما یک پدیده منحصر به فرد در روابط فی‌مابین است.

اعتقاد ما بر این است که شرائطی پیش آمده است تا روابط فی‌مابین دو کشور ما وارد یک مرحله کیفی جدیدی شود برای همکاری‌ها در تمامی زمینه‌ها. آقای گورباچف در پیام خود اشاره می‌کنند که پیام جنابعالی خطاب به دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از مفاهیم فراوان سرشار است.

تمامی اعضای هیئت رهبری شوروی متن پیام جنابعالی را مطالعه کردند. شکی نیست که ما در موارد عمده‌ای اتفاق نظر داریم اما مواردی هست که ما اختلاف نظر داریم، اما این مهم نیست. پیام شما ملاحظات عمیق راجع به سرنوشت بشریت دارد. آقای گورباچف عقیده دارند که ما در مهمترین مورد اتفاق نظر داریم یعنی انسان‌ها باید یاور یکدیگر باشند تا بشریت فناپذیری به خود بگیرد. چنانچه انسان‌ها متحد نشوند خطر فاجعه برای بشریت وجود دارد، چون امکانات بالقوه برای به وجود آوردن چنین فاجعه توسط خود انسانها ایجاد شده است.».

ادامه دارد...